

واکاوی انگاره حدیث‌های خیالی در مجمع البیان؛ داوری بر نقض و ابرام‌ها

مجتبی پورموسی^۱محمدتقی دیاری بیدگلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

چکیده

حدیث، به عنوان حکایت‌گر سنت، مانند هر خبر یا روایت دیگری، قابلیت صدق و کذب دارد و نیازمند اعتبارسنجی است. تلاش‌های متعددی در قرون مختلف برای اعتبارسنجی حدیث انجام شده که برخی موفق و برخی با نقص‌ها و نقض‌هایی مواجه بوده‌اند. یکی از آثار مرتبط با این موضوع، کتاب حدیث‌های خیالی در مجمع البیان است که مؤلف آن ادعا می‌کند مراد از «ابوجعفر»‌ها در الثبیتان شیخ طوسی، ابوجعفر طبری بوده، اما طبرسی در بهره‌گیری از این کتاب در شناسایی مصداق دچار اشتباه شده و این موارد را به امام باقر (ع) نسبت داده است. این خطا، به زعم مؤلف، منجر به تولید احادیث خیالی منسوب به امام باقر (ع) در مجمع البیان شده است. این مقاله با انتقاداتی مواجه بوده و آثاری به صورت پراکنده در نقد آن نگاشته شده است. نوشتار حاضر با هدف ارائه منسجم نقض‌ها و تأییدهای صورت گرفته، تحلیل و نقد ادله ارائه شده توسط طرفین، و ارزیابی میزان واقع‌نمایی آن‌ها تدوین شده است. همچنین، به برخی ادعاهای کمتر مورد توجه، مانند عدم دسترسی طبرسی به تفسیر طبری و دستکاری نسخه‌های خطی الثبیتان توسط ناسخان، و ارائه آمارهای کمی در این زمینه پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: مجمع البیان، احادیث خیالی، صالحی نجف‌آبادی، تفسیر الثبیتان، امام باقر (ع)، ابوجعفر طبری، دس و ادراج.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)
(Mojtabapormusa313@gmail.com)

۲. استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.

مقدمه

حدیث به معنای حکایت‌گر گفتار یا کردار یا تأیید معصومان علیهم‌السلام برای جمهور شیعه در تفسیر آیات قرآن حجّیت دارد. البته حدیث نیز به دلیل نقش حکایت‌گر خود، مانند هر خبر دیگر قابلیت صدق و کذب داشته و برای بهره‌ای از آن باید اعتبار آن و صادق بودنش در حکایت از معصوم علیهم‌السلام احراز شود. در نتیجه، محققان در بررسی این احادیث با بهره‌گیری از قرائن متعدد به اعتبارسنجی آن‌ها می‌پردازند.

یکی از محققان معاصر در این زمینه، نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (م ۱۳۸۵ش) است. او با نگارش یک مقاله با عنوان «نقدی‌سندشناسانه بر احادیث مجمع البیان» به ارزیابی برخی گزارش‌های امین‌الاسلام طبرسی (م ۱۴۰۸ق) در کتاب گرانسنگ «مجمع البیان لعلوم القرآن» وی از ابوجعفر پرداخته است.

در مجمع البیان - که بر محور «التبیین» شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) نگاشته شده - مواردی که شیخ طوسی در تفسیر آیات از ابوجعفر نقل می‌کند، طبرسی آن را کنیه امام باقر علیه‌السلام دانسته و صالحی در این زمینه با او هم عقیده نبوده و با ارائه شواهدی این کنیه را حاکی از محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق)، صاحب کتاب «جامع البیان عن تأویل آی القرآن»^۱ دانسته است. همچنین او از قرائنی مانند امکان دس برخی نسخه‌برداران بر التبیین طوسی و نقل طبرسی از نسخه مُحَرَّف، عدم دسترسی طبرسی به تفسیر طبری در زمان نگارش کتابش و... نیز بهره برده است. این مقاله صالحی بعدها دستمایه تألیف کتابی حاوی پنج مقاله از وی با عنوان «حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری» شد که فقط مقاله اول آن مربوط به این بحث است. او در این مقاله مدعی است که:

در کتاب ارجمند تفسیر مجمع البیان مواردی وجود دارد که ابوجعفر طبری با ابوجعفر امام محمد باقر علیه‌السلام اشتباه شده و قول ابوجعفر محمد بن جریر طبری، مفسّر معروف اهل سنت (م ۳۱۰ق)، به عنوان قول ابوجعفر باقر علیه‌السلام معرفی شده و حدیث امام محمد باقر علیه‌السلام تلقی گشته و تصور رفته که روایتی از امام معصوم است.^۲

۱. گرچه وی نام کتابش را در مقدمه تفسیر خود ذکر نکرده، اما در کتاب تاریخش نام آن را این چنین ذکر کرده است: «جامع البیان عن تأویل آی القرآن» (رک: تاریخ الامم و الملوک، ج ۱، ص ۸۹).

۲. «نقدی‌سندشناسانه بر احادیث مجمع البیان»، ص ۱۴۶؛ حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، ص ۲۳.

او همچنین مدعی است که این اشتباه به صورت سلسه‌وار در کتب تفسیر مآثور پس از طبرسی مانند نورالثقلین نیز ادامه پیدا کرده است.^۱

این اظهار نظر جنجالی در نوع خود، موجب نگارش آثاری در رد یا تأیید این مقاله در سال‌های بعد شد. از جمله این آثار می‌توان به مقالات و کتبی در این زمینه از پژوهش‌گرانی مانند احمد عابدینی،^۲ مهدی حسینیان قمی،^۳ علی [شاه] علیزاده،^۴ سیدرضا مؤدب و عبدالحسین هوشمند^۵ اشاره کرد. آنچه مهم می‌نماید، تحلیل و نقد ادله طرفین در این زمینه و رسیدن به دآوری صحیحی در این مسئله است. از جمله فواید این بحث می‌توان به مواردی مانند:

۱. مشخص شدن میزان صحت انتساب دایره گسترده‌ای از اقوال به امام معصوم (علیه السلام)؛
 ۲. مشخص شدن میزان دقت طبرسی در نقل احادیث و آرای مفسران؛
 ۳. تعیین مراد از ابوجعفرها در التبیان و مجمع البیان و انتساب آرای تفسیری ذیل آیات به قائلش؛
 ۴. مشخص شدن دس و ادراج بر التبیان توسط ناسخان یا عدم آن و ارزش‌گذاری نسخ خطی و... اشاره کرد.
- نوشتار حاضر با تحلیل انتقادی تمامی آثار موجود در این زمینه، تلاش دارد تا راه را به منظور قضاوت صحیح در این مسئله برای مخاطبانش فراهم سازد.
- همچنین نوآوری‌های مقاله حاضر را می‌توان موارد زیر دانست:
۱. بررسی برخی ادعاهای مغفول در آثار ناقدان صالحی، مانند عدم دسترسی صاحب مجمع البیان به تفسیر طبری؛
 ۲. بررسی ادعای صالحی مبنی بر مُحَرَف بودن نسخه‌های التبیان و نقل طبرسی از آن‌ها؛
 ۳. جمع‌آوری تمام دیدگاه‌های موافق و مخالف در یک نگاه منسجم و بررسی میزان واقع‌نمایی آن‌ها؛

۱. حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، ص ۲۴.

۲. «بررسی حدیث‌های خیالی در مجمع البیان و التبیان»، ص ۲۰۷ - ۲۱۸.

۳. «پاسخی به کتاب حدیث‌های خیالی»، ص ۱۵۶ - ۱۸۱؛ «نقدی بر حدیث‌های خیالی»، ص ۸۷ - ۱۰۶؛ دفاع از حدیث؛ دفتر دوم: نقد ادعای جعل گسترده در احادیث شیعه.

۴. «احادیث خیالی یا شواهد خیالی (نقدی بر کتاب حدیث‌های خیالی در مجمع البیان)»، ص ۱۲۵ - ۱۴۸.

۵. «نقد دیدگاه صالحی نجف‌آبادی در مورد روایات امام باقر (علیه السلام) در مجمع البیان»، ص ۲۵ - ۴۴.

۴. ارائه نقض و ابرام‌ها در ساختاری جدید؛

۵. ارائه آمارهای موجود در زمینه انطباق ابوجعفر بر امام باقر علیه السلام و صحت سنجی آن‌ها؛

۶. و ...

بحث

صالحی ادعای خود را با بررسی بیست مورد از گزارش‌های منسوب به امام باقر علیه السلام در مجمع البیان پیگیری کرده است. او در این زمینه می‌نویسد:

ما نمی‌دانیم در کل مجمع البیان در چندجا چنین اشتباهی رخ داده است. استقصای این موارد نیازمند بررسی سراسر مجمع البیان است که هر جا از امام محمد باقر علیه السلام حدیثی نقل شده، بررسی شود. ما در این اوراق فقط مواردی را که به طور اتفاقی به آن‌ها برخورد کرده و دانسته‌ایم که چنین اشتباهی در آن‌ها رخ داده است، می‌آوریم.^۱

در ادامه وی به اقامه چند شاهد بر مدعای خود پرداخته که با نقد دیگران مواجه شده است. در ادامه به هریک از این موارد و نقدهای وارده بر آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. منظور از ابوجعفر در تفاسیر

صالحی معتقد است مواردی که در تفسیر التبیان با عنوان ابوجعفر وجود دارد، منظور از همه آن‌ها ابوجعفر طبری است. او استدلال می‌کند که ابوجعفر کنیه طبری بوده و او از مفسران معروف است، و یکی از منابع شیخ در التبیان، تفسیر طبری بوده، پس مراد از ابوجعفر هموست.^۲ همچنین در جای دیگر می‌نویسد:

در جوّ تفسیر و مفسران، ابوجعفر مطلق، ابوجعفر طبری است؛ زیرا او شخصیتی برجسته و مورد توجه همه مفسرانی است که پس از وی آمده‌اند. کسی که در التبیان شیخ طوسی دقت کند، درمی‌یابد که شیخ عنایت خاصی به تفسیر طبری دارد و در بسیاری از موارد در تفسیر آیات فقط گفته‌های طبری را با تلخیص می‌آورد، بدون این که نام طبری را بیاورد.^۳

عابدینی نیز در طلیعه مقاله خود، ابتدا سخنان صالحی را بسیار موشکافانه و دقیق

۱. حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، ص ۲۴.

۲. رک: همان، ص ۲۳ - ۲۵.

۳. همان، ص ۷۱ و ۷۲.

ارزیابی کرده و با او در اصل ادعا هم صدا شده، اما در ادامه، به احتمال، به دلیل مقالاتی که ادعای صالحی را نقد ورد کرده‌اند، در صحت تمامی فقرات عبارات آورده شده توسط صالحی تشکیک کرده است.^۱ برای نمونه او همه ابوجعفرهای التبیان را طبری ندانسته و تصریح می‌کند که در مواردی مراد از ابوجعفر، امام باقر (ع) یا ابوجعفر مدنی قاری است.

ناقدان صالحی، مانند علیزاده و حسینیان نیز ادعای اول او را چنین رد کرده‌اند:

الف) شیخ طوسی در بیش از صد مورد در التبیان از طبری با این عناوین یاد کرده است: الطبری: مقدمه و اکثر قریب به اتفاق موارد با عباراتی مانند «ما اختاره الطبری». و با عبارت «محمد بن جریر الطبری» فقط در یک مورد. همچنین هیچ‌گاه شیخ از طبری با عنوان «ابوجعفر» به صورت مطلق، یاد نکرده است.^۲

ب) تعبیر «ابوجعفر» در التبیان، در حدود ۳۳۰ مورد به کار رفته که از این میان حدود هشتاد مورد در مورد ابوجعفر [یزید بن قعقاع] مدنی (م ۱۳۰ق) و در بخش قرائات، و حدود ۲۵۰ مورد باقی مانده در مورد امام باقر (ع) است.^۳ همچنین در مجمع البیان، در بحث قرائات نام ابوجعفر در کنار کسائی و دیگر قراء آمده و مشخص است که مراد امام باقر (ع) نیست. و در چاپ‌های این کتاب نیز عبارت «ع» یا «علیه السلام» پس از آن وجود ندارد.^۴ یعنی خلطی در این زمینه از سوی طبرسی صورت نگرفته است. اما در چاپ بیروت کتاب التبیان، این خلط رخ داده است.^۵

۱-۱. قرائن دال بر اتحاد «ابوجعفر» با امام باقر (ع)

مجموعه قرائنی در این زمینه از سوی ناقدان اراده شده که به آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱-۱-۱. تفاوت آرای ابوجعفر با طبری

مواردی که شیخ هم از ابوجعفر و هم از طبری در یک موضع نقل کرده و مشخص است که دو نفر مختلف هستند که حتی آرای ایشان متفاوت است. برای نمونه:

۱. «بررسی حدیث‌های خیالی در مجمع البیان و التبیان»، ص ۲۰۸.

۲. بنگرید: «پاسخی به کتاب حدیث‌های خیالی»، ص ۱۵۸؛ «احادیث خیالی یا شواهد خیالی (نقدی بر کتاب

حدیث‌های خیالی در مجمع البیان)»، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

۳. رک: «نقدی بر حدیث‌های خیالی»، ص ۱۰۱.

۴. رک: «بررسی حدیث‌های خیالی در مجمع البیان و التبیان»، ص ۲۱۰.

۵. همان.

قوله تعالى: ﴿فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوَصِّ جَنْفًا أَوْ إِيْثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِيْثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱ و إذا جنف الموصى فى وصيته، فلولوصى أن يردّها الى العدل، وهو المروى عن أبى عبد الله عليه السلام. و به قال الحسن، و قتادة، و طاوس. و قال قوم و اختاره الطبرى: ان قوله ﴿فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوَصِّ﴾ فى حال مرضه الذى يريد أن يوصى فيه، و يعطى بعضاً، و يضر ببعض، فلا إثم أن يشير عليه بالحق، و يرده الى الصواب و يسرع فى الإصلاح بين الموصى، و الورثة، و الموصى له حتى يكون الكل راضين، و لا يحصل جنف، و لا ظلم، و يكون قوله ﴿فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ﴾ يريد فيما يخاف من حدوث الخلاف فيه - فيما بعد - و يكون قوله ﴿فَمَنْ خَافَ﴾ على ظاهره، فيكون مترقباً غير واقع. و هذا قريب ايضاً، غير أن الأول أصوب، لأن عليه أكثر المفسرين، و هو المروى عن أبى جعفر و أبى عبد الله عليه السلام.^۲

در این جا، قول ابوجعفر، جواز بازگرداندن وصیت توسط وصی به حق و عدالت، در صورت سهل انگاری وصیت کننده در حق، و تمایل وصیت او به غیر عدالت است. حال آن که قول طبرى این است که موصی در حال مرض مشرف به موت، در صورت جنف و تمایل او به ظلم در حق ورثه، اگر وصی، موصی را اشاره و نصیحت به بازگشت به حق کند، گناهی براو نیست. در این جا قول طبرى عدم گناه بودن اشاره و نصیحت به موصی است؛ حال آن که در عبارت مروی از امام صادق عليه السلام و نیز ابوجعفر، این جواز برای وصی هست که مستقیم اقدام به اصلاح وصیت موصی کند. بازگشت ضمیر «ها» در عبارت «فللولوصى أن يردّها الى العدل»، به کلمه «وصیت» است و نمى تواند به موصی برگردد تا اشکال شود که شاید مراد بازگرداندن موصی توسط وصی به حق باشد؛ چه آن که در این صورت باید عبارت به این شکل می آمد: «فللولوصى أن يردّه الى العدل». همچنین این جا از مواردی است که ابى جعفر در کنار ابى عبد الله ذکر شده که مشخص است منظور امام باقر عليه السلام است. نمونه دیگر:

قوله تعالى: ﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجاً غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾^۳ آية واحدة بلا خلاف.

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۲.

۲. التبيان فى تفسير القرآن، ج ۲، ص ۱۱۲.

۳. سوره بقره، آیه ۲۳۰.

المعنى: قوله: «فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ» المعنى فيه التطليقة الثالثة على ما روى عن أبي جعفر (عليه السلام). و به قال السدى، والضحاك، والزجاج، والجبائى، والنظام. وقال مجاهد: هو تفسير لقوله: «أَوْ تَسْرِحُ بِإِحْسَانٍ» فانه التطليقة الثالثة، و هو اختيار الطبرى.^۱

در این مورد، به صورت واضح، مراد از ابوجعفر غیر از طبرى است و به این مطلب نیز تصریح شده است. در بخش اول، شیخ طوسى به این که این مطلب از ابوجعفر روایت شده اشاره کرده و در بخش پایانی این عبارت، به این که این قول از جمعى از مفسران نقل شده و قول مختار طبرى نیز همین است، تصریح می کند. پُر واضح است در صورتی که مراد از ابوجعفر در این جا طبرى باشد، این نوع عبارت پردازی غلط است؛ چه آن که در صدر آن، این قول را منسوب به ابوجعفر دانسته و در ذیل، آن را مختار طبرى بداند!

اگر مراد از ابوجعفر همان طبرى باشد، این تردید در صدر، و جزم در ذیل، با هم ناخوانا بوده و به علاوه، یادکرد مجدد از کسی که پیش تر نیز این قول به وی منتسب شده، بی معناست. در نتیجه در این جا به طور حتم مراد از ابوجعفر هر که باشد، طبرى نیست. گفتنی است که موارد دیگری از این دست^۲ در مقالات حسینیان و علیزاده بررسی شده است.

۱- ۲. نقل معاصران طبرى از التبیان

فهم معاصران طبرى مانند قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ق) که هم زمان با او به تألیف کتاب تفسیر مشغول بوده، از ابوجعفرهای التبیان راهگشا است. راوندی هم این موارد را بر امام باقر (عليه السلام) تطبیق کرده است. برای نمونه: در تفسیر آیه ۳۱ اعراف، در مراد خدای متعال راوندی چنین می نویسد:

وَقَوْلُهُ «عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي الْجُمُعَاتِ وَالْأَعْيَادِ.^۳

طبرى نیز در مجمع البیان می نویسد:

«خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»، أَيْ خُذُوا ثِيَابَكُمْ الَّتِي تَتَزَيَّنُونَ بِهَا لِلصَّلَاةِ فِي

الْجُمُعَاتِ وَالْأَعْيَادِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام).^۴

در التبیان نیز - که منبع هر دو کتاب است - شیخ طوسى نوشته است:

۱. همان، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۱۰، ۱۵۰، ۲۴۵، ۳۲۹، ۴۳۵، ۵۰۴ و...

۳. فقه القرآن، ج ۱، ص ۹۶.

۴. مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۳۷.

روی عن أبی جعفر علیه السلام أنه قال فی الجمعات والأعیاد.^۱

پیداست که برداشت راوندی نیز از التبیان، با برداشت طبرسی مبنی بر این که این قول، از امام باقر علیه السلام نقل شده، یکی است.

جالب آن که این قول با قول طبری تفاوت دارد. طبری معنای آیه را نهی از عریان بودن در زمان طواف دانسته و گزارش هایی از صحابه و تابعان در این زمینه نقل کرده است.^۲ می توان موارد دیگری از این دست را در کتاب راوندی پیدا کرد.^{۳ و ۴}

۱ - ۳. مؤیدات روایی برای اقوال منسوب به ابوجعفر

در فقراتی، همان نقل از ابوجعفر در التبیان، در کتب دیگری مانند تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم از امام باقر علیه السلام نقل شده است. برای نمونه، نهمین موردی که جناب صالحی در ضمن موارد بیست گانه خود ذکر کرده،^۵ دست بر قضا یکی از نمونه های تغایر میان ابوجعفر با طبری است. این مورد در ذکر مراد خدای متعال از ﴿وَأَخْرَوْا اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۶ است.

طبری در این زمینه قائل به این است که مراد منافقان مدینه هستند که عده ای توبه وعده دیگر هنوز توبه نکرده و در این آیه دستور به اقرار گناه داده شده است.^۷ اما شیخ طوسی از ابوجعفر نقل کرده که مراد فقط ابولبابه در جریان تبوک است. و در ادامه، آن را قول اکثر مفسرین برمی شمارد.^۸ در تفسیر القمی نیز این مطلب تصریح شده که آیه در مورد ابولبابه است؛ اما قائل آن

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۸۶.

۲. ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾، يقول تعالى ذكره لهؤلاء الذين يتعرون عند طوافهم ببیتة الحرام و يبدون عوراتهم هنا لك من مشركي العرب، والمحرمين منهم أكل ما لم يحرمه الله عليهم من حلال رزقه تبرأ عند نفسه لربه: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ﴾. من الكساء واللباس، ﴿عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا﴾ من طيبات ما رزقتم، و حللته لكم، ﴿وَأَشْرَبُوا﴾ من حلال الأشرية، ولا تحرموا إلا ما حرمت عليكم في كتابي أو على لسان رسولي محمد - صلى الله عليه و سلم - و بنحو الذي قلنا في ذلك قال أهل التأويل (جامع البيان في تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۱۸).

۳. فقه القرآن، ج ۲، ص ۴۰، ۹۷ و ...

۴. «احادیث خیالی یا شواهد خیالی (نقدی بر کتاب حدیث های خیالی در مجمع البیان)»، ص ۱۳۱.

۵. حدیث های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، ص ۵۵ - ۵۷.

۶. سوره توبه، آیه ۱۰۲.

۷. يقول تعالى ذكره: و من أهل المدينة منافقون مردوا على النفاق، و منهم آخرون اعترفوا بذنوبهم، يقول: أقرؤا بذنوبهم (جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۰).

۸. قال ابو جعفر علیه السلام: نزلت فی أبی لبابة، و لم يذكر غيره، و كان سبب نزولها فيه ما جرى منه فی غزوة بنی قریظة و به قال مجاهد. و قال الزهري: نزلت فی أبی لبابة خاصة حين تأخر عن تبوک. و اکثر المفسرين ذكروا أن أبا لبابة كان من جملة المتأخرين عن تبوک (التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۹۰).

مشخص نشده است.^۱ البته برخی از ناقدان این مورد را به احتمال از روایات امام باقر(ع) در تفسیر القمی می‌دانند و آن را به سند دو صفحه قبل یعنی ابوجارود از امام باقر(ع) ارتباط می‌دهند؛ حال آن‌که متن دلالتی بر این مسئله ندارد.^۲ به هر روی، این متن به نظر روایتی از امام باقر(ع) است و بر فرض عدم اثبات این مطلب، انتساب آن به طبری نیز صحیح نیست؛ چه آن‌که قول طبری با این متن به طور کامل تفاوت دارد.

نمونه دیگر:

شیخ طوسی ذیل آیه ۱۶۷ اعراف می‌نویسد:

قال ابو جعفر(ع) و ابن عباس و قتادة و سعيد بن جبیر و الحسن: أراد به أمة محمد(ص) يأخذون منهم الجزية.^۳

صالحی این مورد را از جمله اشتباهات شیخ طبرسی در تفکیک بین طبری و امام باقر(ع) دانسته است؛ حال آن‌که این متن با مضمونی مشابه از امام باقر(ع) در تفسیر القمی نقل شده است.^۴ طبرسی نیز در این زمینه نوشته است:

المعنى به أمة محمد(ص) عند جميع المفسرين، وهو المروى عن أبي جعفر(ع).^۵
حسینیان مواردی از این دست را ذکر کرده است.^۶

همچنین در التبیان مؤیداتی دیگری مانند نقل ابوالجارود^۷ یا دیگر راویان از ابوجعفر وجود دارد که مشخص است منظور امام باقر(ع) بوده و نمی‌تواند طبری باشد؛ چه آن‌که کتاب طبری - بنا به تصریح صالحی - در اختیار شیخ بوده است و نیازی به عباراتی مانند «هو المروى عن...» یا نقل با واسطه یک راوی از او وجود ندارد. دسته‌ای از راویان نیز، شناخته شده و از راویان امام باقر(ع) بوده و جای شبهه‌ای باقی

۱. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲. «پاسخی به کتاب حدیث‌های خیالی»، ص ۱۷۶.

۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۸.

۴. وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَاوُود عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ(ع) فِي قَوْلِهِ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ قَالَ نَزَلَتْ فِي آلِ مُحَمَّدٍ وَأَشْيَاعِهِمْ. وَأَمَّا قَوْلُهُ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ فَهَمْ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ يَسُومُونَ أَهْلَ الْكِتَابِ سُوءَ الْعَذَابِ - يَأْخُذُونَ مِنْهُمْ الْجِزْيَةَ. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۴۶.

۵. مجمع البیان، ج ۴، ص ۷۶۰.

۶. «پاسخی به کتاب حدیث‌های خیالی»، ص ۱۶۲ تا پایان مقاله.

۷. همان، ص ۱۶۱.

نمی‌گذارد. برای نمونه:

وروی عبد الملك بن حميد قال: قال أبو جعفر: كان أبي لا يصوم في السفر وينهي عنه.^۱
 با جستجوی این عبارت، آن را از قول امام باقر(ع) در کتاب راوندی^۲ نیز می‌یابیم.
 همچنین چنانچه بخواهیم این مورد را بر طبری تطبیق دهیم، شیخ چه انگیزه‌ای برای نقل
 سیره پدر طبری داشته است؟
 همچنین در موارد فراوانی در التبیان کاربرد کنیه ابوجعفر همراه با تصریح به نام امام باقر(ع)
 است که مشخص می‌سازد:
 الف) کنیه ابوجعفر در فقرات فراوانی برای حضرت به کار رفته، به خلاف طبری که بدان
 خواهیم پرداخت؛

ب) با تصریح به اسم ایشان جای شبهه‌ای برای اشتباه با طبری باقی نمی‌ماند؛ برای نمونه:
 روی عن علی(ع) وأبی جعفر الباقر(ع)،^۳ عن أبي جعفر الباقر(ع)،^۴ روی ذلك عن أبي جعفر
 محمد بن علی الباقر(ع)،^۵ و بوجوب الإفطار في السفر قال عمر بن الخطاب، وعبد الله ابن
 عمر، وعبد الله بن عباس، وعبد الرحمن بن عوف، وأبو هريرة، وعروة ابن الزبير، وأبو جعفر
 محمد بن علی بن الحسين،^۶ روی عن محمد بن علی الباقر(ع) انه قال.^۷
 موارد فراوان دیگری از این دست نیز در آثار برخی از ناقدان جستجو و گردآوری شده است.^۸
 یا عبارتی مانند هوالمروی عن أبي جعفر و أبي عبد الله «عليه السلام» که مشخص است مراد از آن
 امام باقر(ع) است.^۹ برای نمونه: در ذیل آیه «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^{۱۰} طوسی می‌نویسد:

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۱۷.
۲. وَقَالَ الْبَاقِرُ(ع): كَانَ أَبِي لَا يُصُومُ فِي السَّفَرِ وَيُنْهِي عَنْهُ (فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۷۷).
۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۹۱.
۴. همان، ج ۴، ص ۵۵۹.
۵. همان، ج ۱، ص ۴۳۶.
۶. همان، ج ۲، ص ۱۱۷.
۷. همان، ج ۱، ص ۴۶۲.
۸. دفاع از حدیث؛ دفتر دوم: نقد ادعای جعل گسترده در احادیث شیعه، ج ۱، ص ۵۱ - ۵۳.
۹. «پاسخی به کتاب حدیث‌های خیالی»، ص ۱۶۱؛ «احادیث خیالی یا شواهد خیالی (نقدی بر کتاب حدیث‌های خیالی در مجمع البیان)»، ص ۱۳۴؛ عابدینی نیز فقراتی مانند کنیه ابوعبدالله با تصریح به نام امام باقر(ع)، یا کنار هم آمدن ابوجعفر و ابوعبدالله و نیز تصریح به نام راویان مشهور امام(ع) در نقل از ابوجعفر را از جمله موارد نقض ادعای صالحی برمی‌شمرد (رک: «بررسی حدیث‌های خیالی در مجمع البیان و التبیان»، ص ۲۰۸).
۱۰. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

وقال مجاهد: هو الامامة وهو المروى عن أبي جعفر، وأبي عبد الله «عليه السلام».^۱

نمونه دیگر: شیخ ذیل آیه ۱۲۷ بقره نیز این دو کنیه را در کنار یکدیگر می‌آورد:
قد كان آدم عليه السلام بناه ثم عفى أثره، فجدده ابراهيم. وهو المروى عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليه السلام.
همچنین در بخشی دیگر می‌نویسد:

قد روى فى اخبارنا ان أول من حج البيت آدم وذلك يدل على انه قد كان قبل ابراهيم.
مشخص است که در این نمونه‌ها و موارد مشابه، منظور از ابوجعفر، امام باقر علیه السلام است.^۲

۱ - ۴. موارد یادکرد از طبری در تفاسیر فریقین

با مراجعه به کتب تفسیری می‌بینیم که مفسران فریقین هیچ‌گاه به صورت مطلق از طبری با عنوان «ابوجعفر» به صورت مطلق یاد نکرده‌اند. عموماً در تمامی موارد با عناوینی مانند «الطبری، محمد بن جریر الطبری، ابوجعفر بن جریر الطبری» یاد می‌کنند.
برای نمونه علیزاده این مسئله را در تفاسیر ابوجعفر النحاس (م ۳۳۸ ق)^۳ سید رضی (م ۴۰۶ ق)،^۴ حاکم حسکانی (م ۵ ق)،^۵ مجمع البیان طبرسی (م ۵۶۰ ق)،^۶ راوندی (م ۵۷۳ ق)،^۷ ابن جوزی (م ۵۹۷ ق)،^۸ قرطبی (م ۶۷۱ ق)،^۹ ابن قتیبه (م ۷۵۱ ق)،^{۱۰} ابن کثیر

۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۴۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۶۲.

۳. ذکر آرای طبری با عنوان: «محمد بن جریر». برای نمونه: معانی القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۲۸ و ۲۶۵ و ۳۲۰ و ۴۱۰؛ نیز همان، ج ۲، ص ۳۶ و ۱۰۶ و ۱۹۶ و ۲۸۹ و ... با عنوان «محمد بن جریر الطبری»، همان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴. «الطبری»: حقائق التأویل فی مشابه التزیل، ص ۹۲.

۵. ذکر آرای طبری با عبارت «الطبری»: شواهد التزیل، ج ۲، ص ۷۸؛ و با عبارت «محمد بن جریر الطبری»: همان، ج ۲، ص ۱۹۶ و ۴۴۷.

۶. «الطبری»: مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۳۴، ۴۷۴، ۴۷۶؛ ج ۳، ص ۱۶، ۲۴، ۴۱ و ... «ابن جریر»: همان، ج ۱، ص ۲۲۵؛ ج ۶، ص ۲۰۸؛ «محمد بن جریر»: همان، ج ۴، ص ۴۰.

۷. «الطبری»: فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۶، ۱۸، ۳۹؛ «ابن جریر»: همان، ج ۲، ص ۷۷، ۱۵۷، ۲۳۳، ۳۸۰؛ «محمد بن جریر»: همان، ج ۲، ص ۱۸۸، ۲۹۹.

۸. با عنوان «ابوجعفر بن جریر الطبری»: نواسخ القرآن، ص ۵۳ و ۱۴۵ و ۱۶۵ و ۱۷۷ و ۲۳۹؛ عنوان «ابن جریر»: همان، ص ۱۹۱؛ عنوان «ابن جریر»: زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۱، ص ۴۲ و ۶۵ و ۷۲ و ۹۷ و ۱۳۸؛ عنوان «ابوجعفر الطبری»: همان، ج ۱، ص ۴۲؛ عنوان «ابوجعفر الطبری»: همان، ج ۴، ص ۳۶۹.

۹. با عبارت «الطبری»: الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۱۳۶، ۱۵۱، ۱۶۷، ۲۰۰ و ... عبارت «ابوجعفر الطبری»: همان، ج ۳، ص ۴۱۶؛ ج ۴، ص ۸۹؛ ج ۵، ص ۳۶۶.

۱۰. «محمد بن جریر الطبری»: الامثال فی القرآن الکریم، ص ۲۴.

(م ۷۷۴ق)،^۱ زرکشی (م ۷۹۶ق)،^۲ ثعالبی (م ۸۷۵ق)^۳ و ... بررسی کرده است.^۴ جالب آن‌که در هیچ موردی در التبیان، شیخ طوسی از طبری با کنیه ابوجعفر یاد نکرده است.^۵ برای نمونه، عبارات «ابوجعفر الطبری»، «ابوجعفر محمد بن جریر» و مانند آن در نرم‌افزارها جستجو شد، اما در این کتاب، هیچ موردی در متن اصلی یافت نشد.

۱- ۵. عدم وجود بسیاری از آرای ابوجعفر در تفسیر طبری

موارد فراوانی وجود دارد که اقوال منسوب به ابوجعفر در التبیان و مجمع البیان، در تفسیر طبری موجود نیست. حسینیان^۶ و علیزاده^۷ فقرات متعددی از این دست را در مقالات خود نشان داده‌اند. این نیز از دیگر مواردی است که می‌تواند نشان‌گر عدم اتحاد میان این عنوان با طبری باشد. برای نمونه، حسینیان ۱۸۷ مورد مغایرت قول ابوجعفر با قول طبری را به عنوان آمار ذکر کرده است؛ بدین بیان که طبری نظری را نقل کرده و نپذیرفته و یا این‌که اثری از این قول در تفسیر طبری دیده نمی‌شود.^۸

۱- ۲. آمار موارد کاربرست واژه «ابوجعفر» در التبیان

حسینیان در یک آمار کلی، موارد استعمال ابوجعفر را - که به نظر می‌رسد به طور حتم ناظر به امام باقر (ع) باشند - حدود ۲۷۰ مورد برمی‌شمارد.^۹ به منظور صحت‌سنجی آمار ارائه شده از طرف ناقدان، بخشی از آن با کلیدواژه‌های مفرد («ابوجعفر» دویست مورد، «ابی جعفر»

۱. «ابن جریر»: تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۹۰، ۱۳۳؛ همان، ج ۲، ص ۱۵؛ «ابوجعفر بن جریر الطبری»: همان، ج ۱، ص ۱۳۳؛ ج ۲، ص ۲۵۴ و ۲۹۸؛ «ابوجعفر الطبری»: همان، ج ۱، ص ۱۳۶، ۲۲۵، ۳۹۷؛ ج ۲، ص ۳۹۳، ۵۶۳ و ..

۲. «الطبری»: البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۸۹، ۲۹۰؛ «محمد بن جریر الطبری»: همان، ج ۱، ص ۲۲۰، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۱۵۹؛ «ابن جریر الطبری»: همان، ج ۲، ص ۶۰؛ «ابوجعفر الطبری»: همان، ج ۱، ص ۲۲۳ و ۲۴۲.

۳. «الطبری»: تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۲۵.

۴. رک: «احادیث خیالی یا شواهد خیالی (نقدی بر کتاب حدیث‌های خیالی در مجمع البیان)»، ص ۱۲۹ - ۱۳۲.

۵. برخی از محققان فهرست تمامی موارد یادکرد شیخ طوسی از طبری در کتاب التبیان را گردآوری کرده‌اند که برای روشن شدن این مطلب بسیار سودمند است (رک: دفاع از حدیث؛ دفتر دوم: نقد ادعای جعل گسترده در احادیث شیعه، ج ۱، ص ۵۴ - ۷۰).

۶. ایشان ۲۴ مورد از این دست را در مقاله خود ذکر کرده و نیز متذکر می‌شود که حدود شصت مورد از این فقرات را در اختیار دارد (رک: «نقدی بر حدیث‌های خیالی»، ص ۹۶ و ۹۷).

۷. رک: «احادیث خیالی یا شواهد خیالی (نقدی بر کتاب حدیث‌های خیالی در مجمع البیان)»، ص ۱۳۱ - ۱۳۳.

۸. دفاع از حدیث؛ دفتر دوم: نقد ادعای جعل گسترده در احادیث شیعه، ج ۱، ص ۳۳.

۹. رک: همان، ج ۱، ص ۳۳.

۲۰۵ مورد) و ترکیبی (قرا ابوجعفر) در کتاب التبیان جستجوی مجدد انجام شد. آمار دقیق آن مطابق جستجوی نگارندگان در نرم افزار جامع التفاسیر نور بدین شرح است:

تعداد عبارات	منظور از «ابوجعفر»	شاهد
۱۲۸	ابوجعفر یزید بن قعقاع مدنی (قاری)	۱. همنشینی با قراء مشهوری مانند کسائی، ورش، ابوعمر، قالون، حمزه، ابن عامر و... و ذکر آن در بخش القراءه ۲. ترکیب عبارت «قرا ابوجعفر» در تمام موارد ۳. تصریح به لقب «المدنی» در یازده مورد ۴. عدم تصریح به نام امام باقر علیه السلام و نیز عدم ذکر عبارت «ع/علیه السلام» ۵. طبرسی در هیچ یک از این موارد، آن‌ها را بر امام باقر علیه السلام تطبیق نکرده است. ^۱ ۶. ذکر طریق در برخی فقرات با عباراتی همچون: «من طریق النهرانی» (شش مورد) و «من طریق ابن العلاف» (دو مورد)
۱	ابوجعفر مدنی	در این مورد به اشتباه در چاپ فعلی التبیان پس از عبارت ابوجعفر، عبارت «ع» قرار گرفته، ^۲ اما در مجمع البیان چنین اشتباهی رخ نداده است؛ ^۳ ضمن این که شواهد ۱، ۲، ۳ و ۵ ذکر شده در مورد قبل، در این مورد هم جاری هستند.
۲	امام باقر علیه السلام	در این موارد که قرائت منسوب به امام باقر علیه السلام هستند، به نام حضرت تصریح شده است: «ابوجعفر محمد بن علی علیه السلام » ^۴ و «قرأ نافع (لا تسأل)، بفتح التاء و جزم اللام، علی النهی، و روی ذلک عن أبي جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام ». ^۵
۱۴	امام باقر علیه السلام	۱. تصریح به نام: ابی جعفر محمد بن علی (هفت مورد) ۲. تصریح به لقب «الباقر»: (هفت مورد)
۸۱	امام باقر علیه السلام	هم نشینی عبارت ابوجعفر با عبارت ابوعبدالله علیه السلام و با عباراتی

۱. گویا او به نیکی می دانسته که مراد از این عبارت، ابوجعفر مدنی، قاری مشهور است.

۲. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۲۷.

۳. مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۰۳.

۴. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۹۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۴۳۶.

تعداد عبارات	منظور از «ابوجعفر»	شاهد
		همچون «روی ذلک عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیه السلام »، «هو المروى عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیه السلام »
۱۳	امام باقر علیه السلام	علی ما رواه ابوالجارود عن ابی جعفر علیه السلام
۷	امام باقر علیه السلام	علی ما رواه جابر عن ابی جعفر علیه السلام
جمع کل		۲۴۶ مورد (بررسی شده توسط نگارندگان)

لازم به ذکر است که در این آمار، موارد تکراری لحاظ نشده است. حسینیان نیز در آمار خود با درصد کمی اختلاف، برخی از این موارد را گزارش کرده، که درصد اختلاف زیاد نبوده و به احتمال، به دلیل کلیدواژه‌های تعریفی و نیز کیفیت در جستجو و خطاهای احتمالی نرم‌افزاری یا دخیل کردن موارد تکراری است که درصدی اختلاف را به وجود آورده است، اما در مجموع، آمارهای او در این قسمت را می‌توان به نسبت، دقیق ارزیابی کرد.

نتیجه آن‌که با در نظر گرفتن مجموع شواهد و قرائن، به نظر می‌رسد ادعای صالحی مبنی بر این‌که طبری با کنیه ابوجعفر در تفاسیر فریقین شناخته می‌شود، نارساست. همچنین مطابق بررسی‌های صورت گرفته ناقدان و همچنین نگارندگان این مقاله، شیخ طوسی در کتاب تفسیر خود هیچ‌گاه از طبری با کنیه و به صورت مطلق یا ترکیبی، یاد نکرده است؛ حال آن‌که از امام باقر علیه السلام در فقرات فراوانی به صورت مطلق یا ترکیب با اسم یا لقب ایشان، یاد کرده است. البته نمی‌توان تمامی فقرات «ابوجعفر» در التبیان را بر امام باقر علیه السلام منطبق دانست؛ چه آن‌که برخی از این موارد به کسانی مانند ابوجعفر مدنی قاری منصرف است.

۲. ذکر نام معصوم علیه السلام در کنار دیگر مفسران

صالحی در انتهای بررسی مورد هفتم از موارد بیست‌گانه خود چنین می‌نگارد:

شگفت این‌که چگونه مرحوم طبرسی از لحن و اسلوب عبارت شیخ - که نوشته است قال ابوجعفر و کثیر من المفسرین... - پی نبرده است که این ابوجعفر از مفسران شناخته شده است و نمی‌تواند امام محمد باقر علیه السلام باشد؟ و توجه نکرده که علمای امامیه به خاطر احترام خاصی که برای ائمه علیهم السلام قائل‌اند، هرگز نام امام معصوم را در ردیف مفسران و مورخان ذکر نمی‌کنند و شیخ طوسی از هر عالم امامی دیگری سزاوارتر است که نام امام معصوم را در ردیف نام مفسران نیاورد و با تغییر لحن و اسلوب، نام او را به طور مستقل و با احترام خاص ذکر کند. شاید این مطلب به ذهن

او خطور می‌کرده است، ولی تصورش این بوده است که شیخ طوسی برای مماشات با عامه مردم، امام معصوم را در ردیف مفسران آورده است تا او را متهم به افراط و غلو در باره ائمه علیهم‌السلام نکنند.^۱

ناقدان وی قائل‌اند که چنین اشکالی به طبرسی وارد نیست و کنار هم آمدن عبارت «ابوجعفر» در کنار اسامی جمعی از صحابه و تابعان و مفسران، هیچ دلالتی بر این‌که مراد از این عبارت، طبری باشد، ندارد؛ چه آن‌که در بسیاری از موارد در کتب شیعه و به خصوص آثار شیخ طوسی همچون التبیان و الخلاف،^۲ عناوین مشیر به ائمه علیهم‌السلام در کنار دیگران ذکر شده است. در این زمینه می‌توان با توفیقی در التبیان و یا جستجوی نرم‌افزاری در این کتاب، به موارد فراوانی هم‌نشینی آرای منقول از امام علی علیه‌السلام، امام سجاد علیه‌السلام، امام صادق علیه‌السلام و... دست یافت. برای نمونه:

هوالمروی عن علی علیه‌السلام و عن علی بن الحسین مثله، و به قال مسروق، والسدی.^۳

وهوالمروی عن علی علیه‌السلام و عن أبی عبد الله علیه‌السلام.^۴

روی عن علی علیه‌السلام و ابن عباس: أنهما قالا: إن لأرجی آیه فی کتاب الله قوله ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ﴾، فقال عبد الله بن عمرو بن العاص: بل أرجی آیه فی کتاب الله قوله: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ﴾ وهوالمروی عن علی ایضاً.^۵

غیر از نمونه‌هایی که توسط نگارنده ذکر شد، علیزاده و حسینیان به فهرست بلندی از نمونه‌های این موارد اشاره کرده‌اند.

۳. عدم دسّ نسخه التبیان توسط ناسخان

صالحی در این زمینه چنین می‌نگارد:

شیخ طوسی در تفسیر التبیان در بسیاری از موارد که قول طبری را نقل می‌کند می‌گوید: ابوجعفر چنین گفته است، چون ابوجعفر کنیه محمد بن جریر طبری است و کاتبان تفسیر التبیان در مواردی تصور کرده‌اند مقصود شیخ طوسی از ابوجعفر، امام

۱. حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، ص ۵۱.

۲. برای نمونه رک: الخلاف، ج ۱، ص ۲۱۰.

۳. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۵۴.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۱۹.

۵. همان، ج ۹، ص ۳۷.

محمد باقر علیه السلام است و از این رو، بعد از ابوجعفر عبارت «علیه السلام» را نوشته‌اند. سپس طبرسی صاحب مجمع البیان - که هنگام تفسیر آیات قرآن به کتاب التبیان شیخ طوسی رجوع می‌کرده - ... با دیدن لفظ «علیه السلام» بعد از نام ابوجعفر تصور کرده است که مقصود شیخ طوسی از ابوجعفر، امام محمد باقر علیه السلام است. از این رو، مطلبی را که شیخ طوسی از ابوجعفر طبری نقل کرده، به امام محمد باقر علیه السلام نسبت داده است.^۱

صالحی با عبارتی که آورده، در واقع ادعای تصرف ناسخان بر نسخه تبیان را مطرح می‌سازد. اما آیا به واقع چنین امری عادی و مرسوم بوده که بلای آن دامنگیر تفسیر شیخ الطائفه شود؟ یا این که طبرسی از نسخه مدسوس التبیان نقل کرده و دقت لازم را برای انتخاب نسخه‌ای از این کتاب به کار نگرفته است؟

عابدینی نیز در تأیید این سخن، ادعا می‌کند در جایی از التبیان - که مأخذ آن را نیز ذکر نکرده - قرائتی از ابوجعفر نقل شده که طبق برداشت او مراد همان ابوجعفر مدنی است و پس از کنیه علامت (ع) / (علیه السلام) قرار گرفته و با رجوع به مجمع البیان مشاهده کرده که همان عبارت تبدیل به الباقر علیه السلام شده است که در واقع به دلیل دس یا اشتباه ناسخان بوده است.^۲

ناقدان صالحی با او و عابدینی در این زمینه موافق نیستند. آن‌ها با رهگیری واسطه‌های طبرسی تا شیخ طوسی، مسئله را جور دیگری ترسیم می‌کنند. در واقع، آن‌ها قائل‌اند که تعابیر «علیه السلام» توسط خود شیخ طوسی یا با نظارت ایشان نگارش در التبیان نوشته شده است.

مؤدب و هوشمند واسطه‌های شیخ طبرسی با شیخ طوسی را سه تن از بزرگان شیعه معرفی می‌کنند:

۱. ابوالوفاء عبد الجبار بن عبدالله بن المفید الرازی، از اکابر علمای امامیه و فقیه و محدثی مشهور در ری، شاگرد طوسی و استاد طبرسی (نفر اصلی که نسخه موجود با تأیید شیخ طوسی بر آن از وی امروزه موجود است) که طبرسی نیز در فقراتی به وی اشاره می‌کند.^۳

۲. ابومحمد حسن بن حسین بن بابویه قمی،

۳. ابوعلی حسن بن محمد (فرزند شیخ طوسی) که هر دو اساتید طبرسی هستند.

۱. حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، ص ۲۳.

۲. رک: «بررسی حدیث‌های خیالی در مجمع البیان و التبیان»، ص ۲۰۸.

۳. برای نمونه: مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۹.

در نتیجه، همگی این افراد شاگردان مستقیم شیخ طوسی و نیز اساتید مستقیم طبرسی هستند. آن‌ها در ادامه دو سؤال در این زمینه مطرح می‌کنند که حال چگونه امکان دارد این وسائط که همگی از فقها و بزرگان هستند، اشتباه کنند؟ و چگونه ممکن است طبرسی با یک واسطه در نقل از شیخ این چنین اشتباه کند؟^۱

البته آن‌ها فرض وقوع اشتباه در این زمینه (نسبت دادن قول طبری به امام باقر^{علیه السلام} در مجمع البیان) را به طور کلی رد نکرده و در صورت کشف مواردی در این زمینه، نسبت دادن آن‌ها را به ناسخان ووراقان مجمع البیان مناسب ترمی دانند؛ چه آن‌که در نظر ایشان، مرتبه مرحوم طبرسی بالاتر از انجام چنین اشتباهاتی است.^۲

حسینیان^۳ در این زمینه به نسخه خطی در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی به شماره ۸۳ مربوط به قرن پنجم هجری - که بلاغی^۴ به خط خود شیخ طوسی دارد - اشاره می‌کند.^۵ در این نسخه - که مشایخ ثلاثه پیش‌گفته طبرسی^۶ آن را در تاریخ ربیع الاول سال ۴۵۵ ق، بر شیخ طوسی عرضه کرده و تأیید او را گرفته‌اند - در موارد فراوانی پس از عنوان «ابوجعفر» عبارت «علیه السلام» ذکر شده است.^۷

با این وصف، چگونه ممکن است این عبارت بعدها و توسط نسخه‌برداران التبیان اضافه شده باشد؟ به نظر می‌رسد این ادعایی است که صالحی هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای آن ارائه نکرده است.

مؤدب و هوشمند هم در بخشی از مقاله خود به این نسخه اشاره کرده‌اند.^۸ نکته دیگر در این زمینه، عدم ارائه مستند و شاهی از نسخه‌های خطی التبیان و مجمع

۱. «نقد دیدگاه صالحی نجف‌آبادی در مورد روایات امام باقر^{علیه السلام} در مجمع البیان»، ص ۳۱ - ۳۴.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. رک: «نقدی بر حدیث‌های خیالی»، ص ۱۰۵.

۴. نسخه خطی پس از نگارش گاه توسط مولف و گاه به واسطه شخص دیگری غیر از مولف با نسخه اصلی مقابله می‌شده است. پس از مقابله با عبارات متنوع اصل این مقابله و به طور معمول شیوه مقابله را گزارش می‌کردند که همگی این علامات و عبارات را «بلاغ» می‌نامند (رک: «دانش فهرست نویسی نسخه‌های خطی (۲)»، ص ۱۴۹؛ «روش‌های فهرست نویسی نسخه‌های خطی»، ص ۴۱ و ۴۰).

۵. در پیوست‌های همین نوشتار تصاویر این نسخه خطی تقدیم شده است.

۶. ابوالوفاء عبدالجبار بن عبدالله بن المفید الرازی، ابومحمد حسن بن حسین بن بابویه قمی و ابوعلی حسن بن محمد فرزند شیخ طوسی.

۷. رک: «نسخه خطی التبیان فی تفسیر القرآن (قرن ۵)».

۸. «نقد دیدگاه صالحی نجف‌آبادی در مورد روایات امام باقر^{علیه السلام} در مجمع البیان»، ص ۳۱ و ۳۰.

البیان توسط صالحی است. او در جایی ناسخان التبیان را متهم به دست بردن در کتاب کرده؛ اما به هیچ شاهی در این زمینه استناد نکرده است.

افزون بر این که صالحی در حدود سیزده فقره به نسخه التبیان چاپ بیروت و وجود عبارت «علیه السلام» پس از عبارت «ابی جعفر» اشاره می‌کند، اما ارتباط آن را با ادعای خویش مبنی بر لغزش طبرسی در تمیز بین طبری و امام باقر علیه السلام بیان نمی‌کند.^۱

عابدینی نیز در سخن از مشکل بودن کار بر روی نمونه‌های ادعایی صالحی، وجود «علیه السلام» پس از ابوجعفرهایی که مصداق آن‌ها ابوجعفر مدنی قاری است، در چاپ بیروت کتاب التبیان را از جمله این مشکلات نام می‌برد. البته در ضمن بررسی ادعاهای صالحی به این نکته اشاره شد که گرچه این اشتباه در نسخه چاپ بیروت التبیان رخ داده، اما در نسخه مجمع البیان چنین اشتباهاتی وجود ندارد؛^۲ ضمن این که عابدینی نیز در جایی از مقاله خود به این مطلب تصریح کرده است.^۳

گفتنی است این سخنان به شکلی بیان شده‌اند که اگر مخاطبی از عصر زندگانی طبرسی (م ۵۴۸ق) اطلاع نداشته باشد، ممکن است گمان برد که نکند او نسخه چاپ بیروت (معاصر) را در اختیار داشته و به این دلیل دچار خطا شده است!

افزون بر این که نقل طبرسی از یک نسخه بازاری مغلوپ نیز عجیب به نظر می‌رسد. می‌دانیم که در عصر قدما، مانند قرون ۵ و ۶ هجری، صنعت نشر کتاب به شکل گسترده وجود نداشته و چنانچه کسی قصد در اختیار گرفتن نسخه‌ای داشته، باید زحمت استنساخ آن را یا خود به جان می‌خریده، یا این که از کاتبی مورد اطمینان بهره می‌گرفته است.

نیز از محقق بزرگی مانند طبرسی بسیار بعید است که با وجود یک واسطه تا شیخ طوسی، و در دسترس داشتن سه تن از شاگردان ایشان - که همگی استاد او بوده‌اند - نسخه اساتید خود را رها کند و از یک نسخه مُحَرَّف بهره بجوید.

همچنین بسیار بعید می‌نماید که او توان تشخیص اسامی اعلامی را که در آن نسخه است، نداشته باشد و از اساتید خویش هم که این کتاب را از شیخ طوسی فراگرفته‌اند، استفسار نکنند. افزون بر این که کتاب او در جو علمی آن زمان منتشر شود و اقران او نیز متوجه

۱. رک: «نقدی سندناسانه بر احادیث مجمع البیان»؛ حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله

تفسیری، ص ۲۳ - ۸۳.

۲. برای نمونه در ضمن جدول آمارها این ادعا بررسی و نقد شده است.

۳. رک: «بررسی حدیث‌های خیالی در مجمع البیان و التبیان»، ص ۲۱۰.

اشتباه بزرگی که در این کتاب رخ داده، نشده و او را از اشتباه رخ داده آگاه نساخته باشند؟ مجموع این شواهد و سؤالات بی پاسخ، ما را به نوعی اطمینان تاریخی مبنی بر بی پایه بودن ادعای مطرح شده از سوی صالحی رهنمون می سازد.

۴. دسترسی طبرسی به تفسیر طبری

صالحی همچنین مدعی است:

گمان می رود تفسیر الطبری نزد صاحب مجمع البیان نبوده است؛ زیرا اگر نزد او بود با رجوع به آن درمی یافت که آنچه در التبیان بوده، همان چیزی است که در تفسیر الطبری آمده است و در نتیجه پی می برد که مقصود از ابوجعفر در کلام شیخ طوسی ابوجعفر طبری است، نه امام محمد باقر علیه السلام.^۱

با جستجویی در کتاب مجمع البیان، دست کم به بیش از چهل مورد نقل قول او از طبری برمی خوریم.^۲ دو احتمال در این جا به ذهن می رسد:

۱. طبرسی همه این موارد را از التبیان نقل کرده باشد که در این صورت تمامی این منقولات باید در کتاب شیخ طوسی هم باشند.

۲. طبرسی خود به کتاب تفسیر طبری دسترسی داشته است. این احتمال زمانی تقویت می شود که شواهد نقضی برای مورد اول پیدا شود. چه آن که فقراتی در میان این منقولات طبرسی از طبری وجود دارد که اثری از آن ها در التبیان کنونی نیست. برای نمونه طبرسی ذیل آیه ۱۷۸ سوره بقره از طبری چنین نقل می کند:

و کذلک رواه الطبری فی تفسیره عن علی.^۳

حال آن که چنین نقلی از طبری در التبیان به چشم نمی خورد.^۴ به علاوه، صالحی دلیلی در این مورد ارائه نداده و مهم ترین سخن او در این زمینه آن است که مراد از ابوجعفر در التبیان، طبری بوده و چون طبرسی این را تشخیص نداده، لابد کتاب را در اختیار نداشته، و گرنه به خطا نمی افتاد. پیداست که چنین دلیلی فراتر از مدعا بوده و قابل اثبات نیست.

۱. حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، ص ۳۹.

۲. آمار با کلیدواژه «الطبری» در نرم افزار جامع التفاسیر نور استخراج شده است.

۳. رک: مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۷۹.

۴. رک: التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۹۹ - ۱۰۴.

۵. نقد موارد بیست‌گانه در آثار ناقدان

نقد موردی موارد بیست‌گانه‌ای که صالحی در مقاله و کتاب خود در زمینه اثبات مدعایش ارائه داده، در دستور کار ناقدان وی قرار گرفته است. عابدینی به بررسی هشت مورد،^۱ مؤدب و هوشمند به بررسی سه مورد،^۲ علیزاده یازده مورد را به عنوان نمونه^۳ و حسینیان تمامی موارد بیست‌گانه را به تفصیل مورد نقد و بررسی قرار داده است.^۴ به دلیل دوری از تطویل مباحث، از ورود به بررسی این موارد خودداری شده است، اما لازم به ذکر است که جدی‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه - فارغ از نقاط قوت و ضعف احتمالی آن - از سوی حسینیان ارائه شده است. او در دو جلد کتاب، به تفصیل به نقد ادعاهای صالحی پرداخته است. وی در جلد دوم مجموعه مذکور، شواهد تطبیق «ابوجعفر» بر امام باقر(ع) را ذیل ۳۲ سوره قرآن پی گرفته است.^۵

۶. نتیجه‌گیری

صالحی در تثبیت ادعای اصلی خود مبنی بر این‌که مراد از «ابوجعفر» در التبیان طبری است و نه امام باقر(ع)، شواهدی ذکر کرده است. از جمله این‌که: ۱. ابوجعفر کنیه طبری بوده و میان مفسران بدین کنیه مشهور است؛ ۲. شیعه و به ویژه شیخ طوسی نام امام معصوم(ع) را در کنار دیگر مفسران نمی‌آورد؛ ۳. طبری به دلیل استفاده از نسخه محرف التبیان و عدم دسترسی به نسخه تفسیر طبری، منظور از ابوجعفر را متوجه نشده و گمان کرده منظور امام باقر(ع) است. وی در ادامه بیست مورد را به عنوان مواردی که به آن‌ها در این زمینه برخورد داشته، ذکر کرده است.

ناقدان وی نیز به تحلیل و نقد این ادله و نمونه‌ها پرداخته‌اند. از جمله:

۱. تفاوت آرای ابوجعفر با طبری در موارد فراوان؛

۲. عدم نقل آرای نقل شده از ابوجعفر در تفسیر طبری؛

۱. «بررسی حدیث‌های خیالی در مجمع البیان والتبیان».

۲. «نقد دیدگاه صالحی نجف‌آبادی در مورد روایات امام باقر(ع) در مجمع البیان»، ص ۳۴ - ۴۳.

۳. موارد ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸ و ۲۰. «احادیث خیالی یا شواهد خیالی (نقدی بر کتاب حدیث‌های خیالی

در مجمع البیان)»، ص ۱۳۴ - ۱۴۷.

۴. دفاع از حدیث؛ دفتر دوم: نقد ادعای جعل گسترده در احادیث شیعه، ج ۱، ص ۱۱۹ - ۲۱۱.

۵. همان، ج ۲، ۲۷ - ۴۸۷.

۳. وجود مؤیدات روایی در کتب شیعه برای برخی از این آراء؛

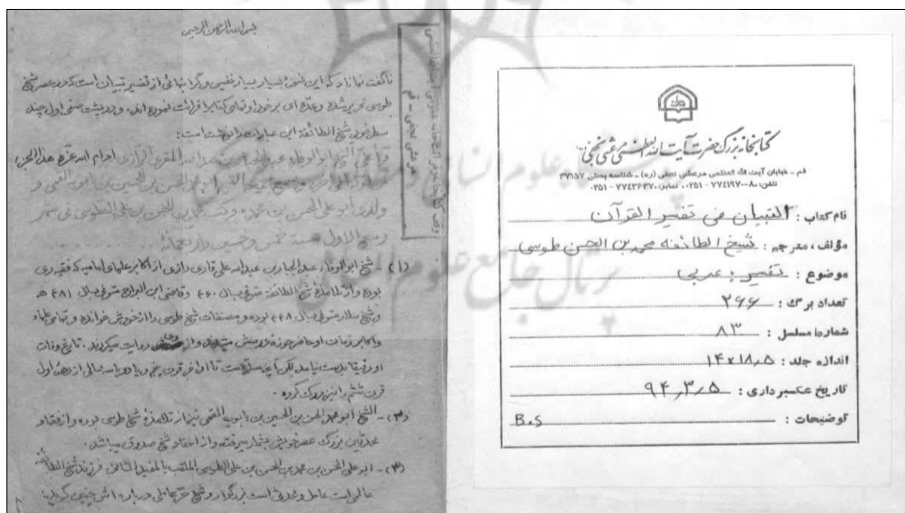
۴. عدم اشتها طبری به ابوجعفر در تفاسیر فریقین و عدم یادکرد از او با این کنیه به صورت مطلق در این تفاسیر و تفسیر التبیان؛

۵. ذکر نام معصومان (علیهم‌السلام) در کنار دیگر مفسران در برخی کتب شیعه، به ویژه دو کتاب التبیان و خلاف شیخ طوسی؛

۶. نقد موارد بیست‌گانه.

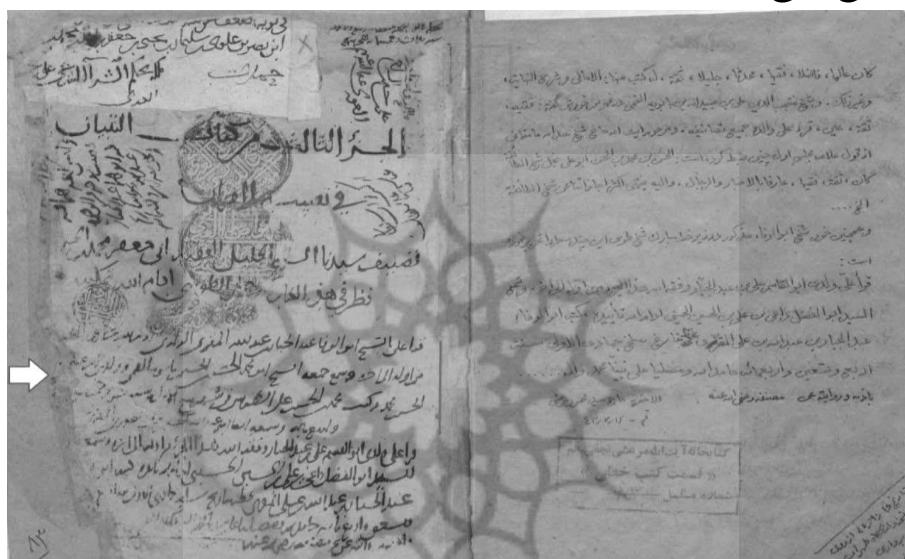
همچنین با بررسی نگارندگان مشخص شد که ادعای صالحی در مورد عدم دسترسی طبری به تفسیر طبری و نیز استفاده از نسخه محرف التبیان توسط او ادعای صحیح نبوده و شواهد فراوانی بر خلاف آن موجود است. در نتیجه، طبری در تشخیص مراد از «ابوجعفر» در التبیان اشتباه نکرده است. او از طریق سه تن از اساتید خود به صورت مستقیم شاگرد شیخ طوسی بوده و آنان این کتاب را از استادشان بدون واسطه تحمل کرده‌اند. از حدود چهارصد مورد کاربرد واژه «ابوجعفر» در التبیان، حدود ۱۲۹ مورد منطبق بر ابوجعفر مدنی قاری، و حدود ۲۷۰ مورد منطبق بر امام باقر (علیه‌السلام) است.

۷. پیوست‌ها



تصویر ش ۱: مشخصات نسخه التبیان مرحوم شیخ طوسی در قرن ۵ ق، موجود در خزانه کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی

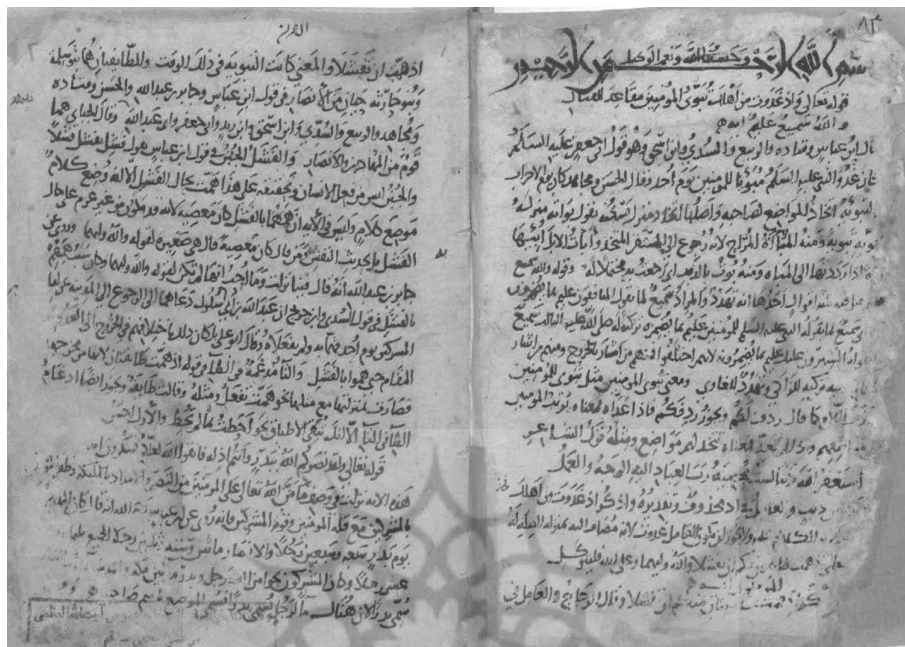
این نسخه در سال ۴۵۵ ق، توسط سه تن از شاگردان ایشان یعنی شیخ ابوالوفاء عبد الجبار بن عبد الله قاری رازی، شیخ ابومحمد حسن بن حسین بن بابویه قمی و ابوعلی حسن بن محمد بن حسن بن علی طوسی (فرزند شیخ طوسی) - که همگی از علمای بزرگ زمان خود و نیز اساتید مرحوم طبرسی بوده‌اند - نگارش و مقابله شده است. مطابق قرائن، وسائط طبرسی تا شیخ طوسی نیز همین‌اند. برگ آخرین نسخه حاوی مشخصات این کاتبان و نیز «بلاغ» شیخ الطائفه است.



تصویر شماره ۲: اسامی گروه نسخه‌بردار تفسیر التبیان (شاگردان شیخ طوسی و اساتید طبرسی) به همراه تأیید و

امضای «بلاغ» مرحوم شیخ طوسی

در میانه صفحه ابتدایی، شیخ طوسی نوشته که کتاب را شیخ ابوالوفاء عبد الجبار بن عبد الله مقرر رازی خوانده، و شیخ ابومحمد الحسن بن حسین بن بابویه قمی و ابوعلی الحسن ابن محمد (پسر شیخ طوسی) به تاریخ ربیع الاول ۴۵۵ شنیده‌اند. وزیر خط شیخ طوسی، شیخ ابوالوفاء درج کرده که کتاب را فرزندم ابوالقاسم علی بن عبد الجبار بر من خوانده و سید ابوالفضل داعی بن علی بن الحسین الحسینی به تاریخ ۴۹۴ ق، شنیده است.



تصویر شماره ۳: بخشی از تفسیر سوره آل عمران از همان نسخه

در این تصویر به وضوح در بالای برگه راست، عبارت «علیه السلام» پس از عبارت «ابوجعفر» آمده است.

کتابنامه

- الامثال فی القرآن الکریم، محمد بن ابی بکر ابن قیم جوزیه، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۸۱م.
- البرهان فی علوم القرآن، محمد بن بهادر زرکشی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- تاریخ الامم و الملوک، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
- التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- التبیان فی تفسیر القرآن (نسخه خطی قرن ۵)، محمد بن حسن شیخ طوسی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، شماره مسلسل ۸۳، بی تا.
- تفسیر الثعالبی، المسمی بـ «الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن»، عبدالرحمن بن محمد ثعالبی، بیروت، داراحیاء التراث العربی / مؤسسة التاریخ العربی، بی تا.
- تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن عمر ابن کثیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، بیروت، دارالکتاب / مكتبة الهدی، بی تا.
- الجامع لأحكام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، تهران، ناصر خسرو، بی تا.
- جامع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- حدیث های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، نعمت الله صالحی نجف آبادی، تهران، کویر، ۱۳۹۰ ش.
- حقائق التأویل فی متشابه التزیل، محمد بن حسین شریف الرضی، قم، جامع تفاسیر نور، دار الأضواء، بی تا.
- الخلاص، محمد بن حسن شیخ طوسی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، جماعة المدرسین، بی تا.
- دفاع از حدیث؛ دفتر دوم: نقد ادعای جعل گسترده در احادیث شیعه، مهدی حسینیان قمی، ۲ جلد، بی تا.
- زاد المسیر فی علم التفسیر، عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، بیروت، دارالکتاب العربی، بی تا.
- شواهد التزیل، عبیدالله بن عبدالله حسکانی، ترجمه: احمد روحانی، قم، دارالهدی، بی تا.
- فقه القرآن، سعید بن هبة الله قطب راوندی، قم، کتابخانه عمومی حضرت آية الله مرعشی نجفی، بی تا.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- معانی القرآن الکریم، احمد بن علی نحاس، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۲۸ ق.
- نواسخ القرآن، عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، نجف، شركة أبناء شریف الأنصاری، بی تا.
- «احادیث خیالی یا شواهد خیالی (نقدی بر کتاب حدیث های خیالی در مجمع البیان)»، علی علیزاده، مجله علوم حدیث، ش ۳۵ و ۳۶، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵-۱۴۸.
- «بررسی حدیث های خیالی در مجمع البیان والتبیان»، احمد عابدینی، مجله بینات، ش ۷۲، ۱۳۹۰، ص ۲۰۷-۲۱۸.
- «پاسخی به کتاب حدیث های خیالی»، مهدی حسینیان قمی، مجله علوم حدیث، ش ۳۴، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶-۱۸۱.
- «دانش فهرست نویسی نسخه های خطی (۲)»، علی صدراپی خویی، مجله پژوهش و حوزه، ش ۹، بی تا، ص ۱۳۹-۱۵۲.
- «روش های فهرست نویسی نسخه های خطی»، علی صدراپی خویی و عباس محمودی، مجله علوم و معارف قرآن و حدیث، ش ۱۰، بی تا، ص ۲۳-۵۸.

«نقد دیدگاه صالحی نجف‌آبادی در مورد روایات امام باقر^{علیه السلام} در مجمع البیان»، سیدرضا مؤدب و عبدالحسین هوشمند، حدیث‌پژوهی، ش ۱۹، ۱۳۹۷، ص ۲۵-۴۴.

«نقدی بر حدیث‌های خیالی»، مهدی حسینیان قمی، مجله بینات، ش ۷۴، ۱۳۹۱، ص ۸۷-۱۰۶.

«نقدی سندشناسانه بر احادیث مجمع البیان»، نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، پژوهش‌های قرآنی، ش ۳۰ و ۳۱، ۱۳۸۱، ص ۱۴۶-۱۷۱.

